



<https://qhs.isu.ac.ir>

Bi-quarterly Journal of Quran and Hadith Studies
Vol. 19, No. 2, (Serial. 38), Summer 2026

10.30497/qhs.2026.248662.4188

Research Paper

A Critical Analysis of the Scriptural Evidence Allegedly Condemning Childbearing and an Elucidation of Its True Meaning

Ali Ghadrddan Gharamaleki *

Received: 29/07/2025

Accepted: 13/12/2025

Abstract

Childbearing has consistently been encouraged and valued in Islamic religious sources. Nevertheless, certain scriptural texts appear, at first glance, to discourage having children, thereby creating an apparent tension with other religious evidence. Given the significance of childbearing and population growth, as well as the necessity of resolving apparent inconsistencies within religious texts, a careful examination of the transmitted evidence allegedly condemning childbearing and a clarification of its intended meaning are essential. The principal question addressed in this study is: What is the true meaning of the scriptural evidence that appears to discourage childbearing, and what objections can be raised against interpreting these texts as advocating birth limitation? The study is based on the hypothesis that no genuine contradiction exists among the transmitted texts and that the reports seemingly discouraging childbearing are not, in fact, intended to condemn it. Its primary objective is to clarify the meaning of the relevant religious texts and resolve their apparent inconsistencies through a critical examination of the evidence cited in support of discouraging childbearing. A secondary objective is to remove perceived intra-religious obstacles to promoting childbearing. This theoretical, problem-oriented study, which seeks to contribute to the development of existing scholarship, is based on library research focusing primarily on hadith collections and Qur'anic exegetical sources. The collected data were subsequently analyzed through textual, rational, and comparative approaches, with particular attention to related scriptural evidence. The findings indicate that the notion that Islamic transmitted sources condemn childbearing stems from an inadequate understanding of key concepts such as *balā'* (divine trial), the conflation of complete causes with preparatory causes, and insufficient attention to the contextual framework of the relevant traditions. Once these considerations are taken into account, it becomes evident that the transmitted evidence in question does not support the condemnation of childbearing.

Keywords: *conflicting ḥadīths; birth limitation; population growth; childbearing; textual analysis.*

© The Author(s) 2026.

* Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology and Islamic Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran. (a.ghadrddan@tabrizu.ac.ir)





<https://qhs.isu.ac.ir>

دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال ۱۹، شماره ۲، پیاپی ۳۸
بهار و تابستان ۱۴۰۵، صص ۹۷-۷۳

10.30497/qhs.2026.248662.4188

مقاله پژوهشی

تحلیل انتقادی ادله نقلی نکوهش فرزندآوری و تبیین معنای حقیقی آن

علی قدردان قراملکی * ID

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۲

مقاله برای اصلاح به مدت ۲۲ روز نزد نویسنده بوده است.

چکیده

در متون دینی، فرزندآوری همواره مورد توجه و تشویق بوده، اما برخی گزاره‌ها ظاهراً به نکوهش آن پرداخته و با دیگر ادله در تعارض به نظر می‌رسند. نظر به اهمیت موضوع فرزندآوری و ازدیاد نسل و همچنین ضرورت رفع تعارضات درون‌دینی، بررسی و تبیین معنای دقیق ادله نقلی نکوهش فرزندآوری و تعیین تکلیف این تعارضات ضروری به نظر می‌رسد. پرسش اصلی پژوهش آن است که معنای حقیقی ادله نقلی نکوهش فرزندآوری چیست و چه نقدهایی بر تفسیر تحدید نسل از این ادله وارد است. فرضیه تحقیق این است که ادله نقلی در این زمینه تعارض واقعی ندارند و گزاره‌های به‌ظاهر نکوهش‌کننده فرزندآوری، در حقیقت در مقام مذمت آن نیستند. هدف اصلی پژوهش، تبیین معنای متون دینی مورد نظر و رفع تعارض ظاهری آن‌ها از طریق نقد ادله نکوهش فرزندآوری است. هدف فرعی نیز، زدودن موانع درون‌دینی برای ترویج فرزندآوری می‌باشد. برای دستیابی به اهداف این پژوهش نظری و مسأله‌محور که در پی توسعه دانش موجود است، داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و با تمرکز بر متون حدیثی و تفسیری گردآوری شد. در مرحله بعد، این داده‌ها با بهره‌گیری از تحلیل‌های نقلی و عقلی و مقایسه با دیگر شواهد مرتبط، تجزیه و تحلیل شد. نتایج پژوهش حاکی نشان می‌دهد که انگاره نکوهش فرزندآوری در ادله نقلی، ناشی از عدم تعمق در معنای واژگانی چون بلاء و آزمون الهی، خلط علت تامه با علت اعدادی و غفلت از سیاق روایات است. با تبیین این ملاحظات، آشکار می‌گردد که ادله نقلی یادشده، دلالتی بر مذمت فرزندآوری ندارند.

واژگان کلیدی: تعارض احادیث، تحدید نسل، ازدیاد نسل، فرزندآوری، تحلیل متنی.

* استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و علوم اسلامی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. (a.ghadrdan@tabrizu.ac.ir)

طرح مسئله

بررسی ادله نقلی، نشان می‌دهد که فرزندآوری به عنوان یک امر مطلوب مورد تأکید قرار گرفته است و بر اهمیت خانواده، استمرار نسل و توسعه جامعه ایمانی دلالت دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۱۵۳). با این حال، برخی متون دینی ممکن است در نگاه اول، با این دیدگاه همسو نباشند و برداشت‌های متفاوتی را ایجاد نمایند. برای نمونه، حدیث شریف «فَلَهُ الْعِيَالُ أَخَذَ الْيَسَارِينَ؛ کمی عائله، یکی از دو آسایش است» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۱۴). کم بودن تعداد اعضای خانواده و فرزندان را به عنوان یکی از عوامل تسهیل‌گر زندگی و دستیابی به آسایش خاطر معرفی می‌نماید. حدیث «هَلَكَ صَاحِبُ الْعِيَالِ؛ صاحب عیال هلاک شد» (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا (ع)، ۱۳۶۴ش، ص ۹۱) تکثر و ازدیاد عائله را منشأ رنج و سختی فراوان دانسته و نهایتاً هلاکت و نابودی را به عنوان پیامد اجتناب‌ناپذیر آن برشمرده است. به علاوه، حدیث «وَ ارْزُقْ مَنْ أَبْغَضَ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ؛ پروردگارا! به دشمنان محمد و آل محمد، مال و فرزند عطا کن» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۴۰) با تخصیص فزونی فرزندان به دشمنان اهل بیت (ع)، ضمن تصریح بر ناپسند بودن آن، این امر را شایسته مخالفان و معاندان قلمداد می‌نماید. افزون بر این، پاره‌ای از روایات، کثرت عائله را در زمره بزرگترین مصائب و ابتلائات برشمرده (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ش، ص ۲۱۲) و استعانت و توسل به خداوند متعال را برای رهایی از آن، مورد تأکید قرار داده‌اند (پاینده، ۱۳۸۲ش، ص ۲۰۸). همچنین، حدیث نبوی دیگری دلالت بر این دارد که فرزند، می‌تواند زمینه ساز بروز صفات ناپسندی همچون بخل و ترس در نهاد آدمی گردد (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۵۶). در کنار این استدلال‌ات، نباید از اشارات موجود در آیات قرآن کریم مبنی بر فتنه‌انگیز بودن فرزندان غافل ماند (تغابن: ۱۵).

تعارض موجود، پرسشی اساسی را در مطالعات دینی مطرح می‌سازد که آیا تفاسیر ظاهری از ادله نقلی در نکوهش فرزندآوری صحیح‌اند و دین با ازدیاد نسل مخالف است؟ یا این استدلال‌ها، معانی ضمنی دیگری دارند که با تفسیری دقیق‌تر، قرائتی منسجم از این مباحث می‌توان ارائه کرد؟ فرضیه اصلی این پژوهش آن است که برداشت تحدید نسل از برخی ادله نقلی ناصحیح است و تعارض میان ادله نقلی بدوی و قابل رفع است.

این پژوهش به روش تحلیلی - انتقادی انجام شده است. داده‌های مورد نیاز به شیوه کتابخانه‌ای و از طریق جمع‌آوری نظام‌مند ادله نقلی مرتبط با تحدید نسل، همراه با تفاسیر و تحلیل‌های گوناگون از آنها، از منابع دست اول (آیات و روایات) و مطالعات ثانویه فراهم آمده است. در مرحله تحلیل، ادله بازخوانی و از طریق تحلیل‌های عقلی و مقایسه‌ای مورد نقد و واکاوی قرار گرفته‌اند. هدف این فرآیند، ارائه خوانشی نو و بازشناسی معنای حقیقی



این ادله بوده است؛ از این رو تحقیق حاضر، ماهیتی کیفی و توسعه‌ای داشته و در راستای تکمیل و تعمیق داده‌های پیشینی حرکت می‌کند.

پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق در زمینه تفسیر تحدید نسل در ادله نقلی چندان گسترده نبوده و غالباً به طور محدود به آیات و روایات مربوطه اشاره شده است. با این حال، با توجه به اهمیت و تأثیرگذاری این موضوع در فهم صحیح مفاهیم دینی و اجتماعی، بررسی و تحلیل انتقادی آن امری ضروری است. در ادامه، به برخی از تلاش‌ها و پژوهش‌های انجام شده در این حوزه اشاره می‌شود.

۱. مقاله «اعتبارسنجی سندی و دلالتی حدیث قلّة العیال احد الیسارین» نوشته مهدی اکبر نژاد و مهدی محمودی (۱۴۰۲ش)؛ در این مقاله، نویسندگان به تحلیل سندی و دلالتی حدیث مورد نظر پرداخته‌اند و بخش اصلی آن به بحث‌های سندی اختصاص یافته است. در حالی که اثر حاضر به صورت جامع‌تر به متون دینی مخالف فرزندآوری توجه کرده و آن‌ها را نقد می‌کند. به عبارت دیگر، مقاله یاد شده تنها به یک دلیل پرداخته، اما این پژوهش تمام ادله ظاهراً مخالف فرزندآوری را بررسی کرده است (ر.ک: اکبر نژاد و محمودی، ۱۴۰۲ش، ص ۶۹-۹۶).

۲. مقاله «تحدید نسل از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی» نوشته حبیب الله طاهری (۱۳۸۱ش)؛ این مقاله به بررسی فقهی و حقوقی مسأله تحدید نسل پرداخته و در آن ادله نقلی تحدید نسل مورد تحلیل واقع نشده است. این درحالی است که در این مقاله به صورت انتقادی به تحلیل ادله نقلی مخالف ازدیاد نسل پرداخته شده است (ر.ک: طاهری، ۱۳۸۱ش، ص ۱۰۳-۱۳۲).

۳. مقاله «تنظیم خانواده یا تحدید نسل» نوشته سید حسن خمینی (۱۳۸۱ش)؛ این مقاله دیدگاه‌های مختلف درباره تنظیم خانواده را بررسی و با موضع اسلام مقایسه کرده، اما به استنادات نقلی مخالف فرزندآوری نپرداخته است (ر.ک: خمینی، ۱۳۸۱ش، ص ۴۹-۷۴).

۴. مقاله «فرزندآوری و افزایش جمعیت از دیدگاه قرآن کریم و اهل بیت(ع)» نوشته حسن دهقان‌ده جمالی (۱۳۹۶ش)؛ این مقاله مسأله افزایش نسل و فرزندآوری را از دیدگاه قرآن و روایات بررسی کرده، اما به آیات و روایات مخالف و نقد آن‌ها نپرداخته است (ر.ک: دهقان‌ده جمالی، ۱۳۹۶ش، ص ۱۴۷-۱۷۰).

۵. مقاله «فلسفه تشویق به فرزندآوری در متون دینی» نوشته علی قدردان قراملکی (۱۴۰۳ش)؛ این مقاله تنها به بررسی دلایل و فلسفه تشویق فرزندآوری در متون دینی می‌پردازد و آیات و روایات مخالف این موضوع را مورد توجه قرار نمی‌دهد (ر.ک: قدردان قراملکی، ۱۴۰۳ش، ص ۶۶۹-۶۸۰).

۱. تحلیل انتقادی ادله نقلی نکوهش فرزندآوری

در این بخش، به سراغ تحلیل و نقد پاره‌ای از ادله نقلی می‌رویم که ظاهراً بر نکوهش یا محدودیت فرزندآوری دلالت دارند. این ادله که گاه به صورت مستقیم به موضوع جمعیت و گاه به صورت ضمنی به پیامدهای فرزندآوری اشاره می‌کنند، بستر مناسبی برای شکل‌گیری برداشت‌هایی شده‌اند که می‌تواند تمایل به تکثیر نسل را کاهش دهد. ما در ادامه، این برداشت‌ها را در سه دسته کلی بررسی کرده و با واکاوی معنای حقیقی آنها، به ابهامات موجود پاسخ خواهیم داد.

۱-۱. اثرات نامطلوب معیشتی فرزندآوری

در این بخش، به بررسی دیدگاه‌هایی پرداخته می‌شود که فرزندآوری را با نگرانی‌های اقتصادی و تلاش بی‌وقفه برای تأمین معاش خانواده مرتبط می‌دانند. این تصورات، می‌توانند به عنوان یکی از عوامل اصلی در کاهش تمایل به فرزندآوری تلقی شوند.

۱-۱-۱. فرزند کمتر و رفاه اقتصادی

یکی از احادیثی که در ظاهر و نگاه بدوی توصیه به عدم فرزندآوری دارد، حدیث شریف «قُلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارَيْنِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۴۱۶) است. این حدیث بر نقش کم‌بودن تعداد فرزندان در دستیابی به آسایش و رفاه اقتصادی تأکید دارد. در عصر حاضر، که پدیده عدم فرزندآوری یا تمایل به داشتن فرزند کمتر به یک گرایش فرهنگی تبدیل شده، این حدیث می‌تواند به عنوان توجیهی برای دیدگاه‌های مدرن در نظر گرفته شود.

کاهش تعداد فرزندان، به ویژه در شرایط اقتصادی دشوار، منجر به کاهش فشار مالی و در نتیجه، بهبود کیفیت زندگی می‌شود. از این منظر، حدیث مذکور در واقع بیانگر یک واقعیت اقتصادی و اجتماعی است: کاهش جمعیت خانواده، به‌طور بالقوه، امکانات بیشتری را برای تخصیص به هر فرد فراهم می‌سازد و در نهایت، به یُسَر و رفاه نسبی منجر می‌گردد. تحلیل مذکور با رجوع به ابتدای روایت نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد. چنان‌که در صدر حدیث، دلالت بر مسائل اقتصادی و فقر مشهود است. به عنوان نمونه، در یک نقل قول آمده است: «الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ وَ قُلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارَيْنِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۱۴). گزارش دیگری از آغاز این روایت نیز موجود است که بیان می‌دارد: «جَهْدُ الْبَلَاءِ كَثْرَةُ الْعِيَالِ وَ قُلَّةُ الْمَالِ وَ قُلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارَيْنِ» (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۲۵۵). این ارجاعات اولیه، بر اهمیت ملاحظات اقتصادی در فهم و تفسیر روایت صحه می‌گذارند.

در تأیید و تأکید حدیث یاد شده که کمی عائله و اولاد را مایه آرامش می‌داند، روایتی از امام علی (ع) وجود دارد که ازدیاد عائله و فرزندان را از جمله مصائب بزرگ برمی‌شمارد: «ثَلَاثٌ مِنْ أَعْظَمِ الْبَلَاءِ: كَثْرَةُ الْعَائِلَةِ، وَ غَلَبَةُ



الدَّيْنِ، وَ دَوَائِمُ الْمَرْضِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۳۱؛ لثی واسطی، ۱۳۷۶ش، ص ۲۱۲) این بیان، به وضوح دشواری‌های ناشی از داشتن خانواده پرجمعیت را مورد تاکید قرار داده و آن را در زمره بزرگترین مصائب تلقی می‌کند. بر این اساس و با توجه به بار معنایی منفی واژه بلا، می‌توان استنباط نمود که فرزندآوری، امری ناخوشایند تلقی شده است.

شاهد و مویدی دیگر، حدیثی از پیامبر اکرم (ص) است که در آن افزایش اهل و عیال به عنوان یکی از مواردی ذکر شده که پناه بردن به خدا را ضروری می‌سازد: «استعینوا بالله من الفقر و العيلة و من أن تظلموا أو تظلموا» (پابنده، ۱۳۸۲ش، ص ۲۰۸) پیامبر اکرم (ص) افزایش عائله را در کنار فقر و نداری ذکر کرده که حاکی از آن است که تعدد فرزندان موجب سختی و مشقت مالی و کم‌فرزندگی موجب رفاه اقتصادی می‌گردد. حاصل آن‌که، در تحلیل حدیث مورد اشاره، استنباط دلالت ظاهری آن بر رجحان قلت فرزند و نتیجتاً، بهبود کیفیت زندگی، قابل بررسی است. این تفسیر، بر آن استوار است که پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) این سبک زندگی را تایید و بدان سفارش نموده‌اند.

۱-۲. دشواری‌های تأمین معاش عیال فراوان

یکی از مستندات که گاه‌ها در تقابل با تکثیر نسل و ترغیب به فرزندآوری مورد استناد قرار می‌گیرد، حدیثی منقول از امام صادق (ع) است که امام (ع) در اثنای سفری، با صیادی روبرو شده و از وی پیرامون فراوان‌ترین شکار او پرسش می‌نماید. صیاد نیز، کلاغ زاغی را به عنوان رایج‌ترین صید خود معرفی می‌کند: «قَالَ الطَّيْرُ الزَّاقُ» پس از این مکالمه، امام (ع) در ادامه مسیر، عبارت «هَلَكْتُ صَاحِبُ الْعِيَالِ» را دو مرتبه تکرار می‌فرماید (صحیفه الامام الرضا (ع)، ۱۳۶۴، ص ۹۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۱، ص ۷۲). طبق حدیث یاد شده، زاغ به عنوان پرنده‌ای تخم‌گذار و کثیرالنسل، به منظور تأمین معاش فرزندان متعدد خود، ناگزیر به تلاش‌های مستمر و پروازهای مکرر است. این تکاپوی فزاینده، مخاطرات و احتمال گرفتار شدن او را افزایش می‌دهد. امام صادق (ع) با استناد به این تمثیل، بر آن است که فزونی فرزندان، انسان را به فعالیت‌های گسترده و طاقت‌فرسایی سوق می‌دهد که چه بسا در نهایت، به ضرر و زیان او منتهی گردد. از این رو، اختیار تعداد فرزندان کمتر، تصمیمی خردمندانه تلقی می‌شود تا از بروز مشکلات و گرفتاری‌های احتمالی پیشگیری به عمل آید.

۱-۳. نقد و بررسی

با تأمل در این دسته از ادله نقلی که با توجه به تأثیرات اقتصادی و معیشتی فرزندآوری، ظاهراً بر نکوهش آن دلالت دارند، نکاتی آشکار می‌شود که دلالت آن‌ها بر کاهش نسل را زیر سؤال می‌برد. در ادامه به برخی از این موارد اشاره خواهد شد.

۱-۳-۱-۱. ارزیابی سند روایات

حدیث «فَلَهُ الْعِيَالُ أَخَذَ الْيَسَارَيْنِ» با اسناد گوناگون به پیامبر اسلام (ص)، امام علی (ع)، امام صادق (ع) امام کاظم (ع) و امام جواد (ع) منسوب شده و در کتب حدیثی معتبری همچون تحف العقول (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۱۴)، دعائم الاسلام (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۲۵۵)، قرب الاسناد (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۱۱۶)، نهج البلاغه (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۹۵)، من لا یحضره الفقیه و امالی (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۴۱۶؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶ش، ص ۴۴۷) نقل گردیده و از جایگاه قابل توجهی در سنت روایی شیعه برخوردار است و سند آن، به ویژه سند منقول در کتاب «من لا یحضره الفقیه» صحیح است (که بر اساس داده‌های نرم‌افزار درایه‌النور تأیید می‌گردد). اما حدیث «هَلَكَ صَاحِبُ الْعِيَالِ» تنها در کتاب «صحیفه امام رضا (ع)» گزارش شده و علامه مجلسی نیز با استناد به همین کتاب شریف، اقدام به درج این روایت در مجموعه «بحار الأنوار» نموده‌اند. شایان ذکر است که اثری از این حدیث در سایر کتب روایی معتبر و مورد وثوق، یافت نمی‌شود.

علاوه بر این، در حدیث مورد نظر، ناهماهنگی املائی در نگارش نام پرند زاغ به چشم می‌خورد. در این روایت، به جای نگارش صحیح «زاغ» با حرف «غین»، از صورت «زاق» با حرف «قاف» استفاده شده است. این مغایرت در حالی است که در سایر روایات معتبر، از جمله حدیث منقول از امام صادق (ع) در خصوص حکم گوشت کلاغ، این پرند به شکل صحیح و با حرف «غین» نگارش شده است، چنان‌که در عبارت «لَا يُؤْكَلُ مِنَ الْغُرَبَانِ زَاغٌ وَلَا غَيْرُهُ وَلَا يُؤْكَلُ مِنَ الْحَيَّاتِ شَيْءٌ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۵۱) و نیز حدیث «لَا يَحِلُّ أَكْلُ شَيْءٍ مِنَ الْغُرَبَانِ زَاغٌ وَلَا غَيْرِهِ» (عریضی، ۱۳۶۸، ص ۱۷۵) این دقت املائی رعایت گردیده است.

علامه مجلسی، با توجه به ابهام موجود در معنای واژه «زاق» در حدیث مذکور، پس از نقل آن به شرح و تبیین این واژه همت گماشته و در این راستا چنین آورده است: «الزاق الذی له فرخ یزقه و زق الطائر إطعامه فرخه» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۲، ص ۲۸۱) ایشان بدین‌سان، به توضیح معنای واژه پرداخته و ارتباط آن با مفهوم تغذیه جوجه توسط پرند را آشکار ساخته‌اند.

با توجه به عدم ذکر صحیح واژه زاق در حدیث مورد اشاره و نیز با عنایت به عدم التفات محدثان برجسته به این حدیث و عدم درج آن در مجموعه آثار حدیثی خویش، اعتبار و اصالت این روایت در پرده‌ای از ابهام و تردید قرار می‌گیرد.



۱-۳-۲. ضرورت رویکرد چندوجهی در دین پژوهی

دین پژوهی، دانشی است که برای دستیابی به فهمی جامع از دین، نیازمند اتخاذ رویکردی چندوجهی و بهره‌گیری از روش‌های گوناگون است. اتکا صرف به یک روش خاص، مانع از دستیابی به معرفت دینی کامل و جامع می‌شود. در رویکرد نقلی، آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع)، به عنوان دلایل اصلی مورد توجه قرار می‌گیرند. با این حال، درک صحیح این متون نیازمند بررسی جامع و همه‌جانبه آنهاست. اتکا به یک روایت، برای اثبات یک ادعا کافی نیست، بلکه دین پژوه باید با ارزیابی مجموع آیات و روایات مرتبط، به استنباط معانی دقیق دست یابد. (جوادی آملی، ۱۳۷۸ش، ج ۱، ص ۱۵۱-۱۵۲؛ جوادی آملی، ۱۳۹۰ش، ج ۳، ص ۲۶).

براین پایه، برای کشف نظر دین در خصوص نکوهش یا نکوداشت فرزندآوری، استناد به چند حدیث و بی‌توجهی به دیگر ادله، رویکردی صحیح به نظر نمی‌رسد. چنین برداشتی، جامعیت لازم را نداشته و ممکن است منجر به نتیجه‌گیری‌های نادرست شود.

در نگاهی جامع به احادیث روشن می‌شود که این دسته از روایات، که غالباً تأثیرات اقتصادی و معیشتی را دلیل خود قرار می‌دهند، با حجم وسیعی از ادله نقلی که به ستایش و ترغیب فرزندآوری می‌پردازند، در تعارض آشکار قرار دارند. برای نمونه، حدیث «مَنْ مَاتَ بَلَا خَلْفٍ فَكَأَنَّ لَهُ يَكُنْ فِي النَّاسِ وَمَنْ مَاتَ وَلَهُ خَلْفٌ فَكَأَنَّ لَهُ يَمْتٌ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۸۱) به صراحت فرزندآوری را طریقه‌ای برای دستیابی به جاودانگی در میان مردم معرفی می‌کند. همچنین، در حدیث «اطْلُبُوا الْوَلَدَ وَ التَّمَسُّوه فَإِنَّهُ قَرَّةُ الْعَيْنِ وَ رِجْاهُ الْقَلْبِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۱، ص ۸۴)، فرزند به عنوان عامل اصلی رشد و تعالی معنوی و روحی انسان قلمداد شده است. افزون بر این، پیامبر اکرم (ص) در حدیث شریف «تَنَاجُحُوا تَنَاسَلُوا تَكْثُرُوا فَإِنَّ أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَوْ بِالسَّقَطِ» (شعیری، بی‌تا، ص ۱۰۱) به وضوح بر اهمیت ازدواج و افزایش نسل تأکید فرموده و تکثیر امت را مایه افتخار خویش در روز قیامت برشمرده‌اند. نگارنده پیشتر این احادیث را به طور جامع در اثری دیگر تحلیل و بررسی کرده است (ر.ک: قدردان قراملکی، ۱۴۰۳ش، ص ۶۶۹-۶۷۹).

۱-۳-۳. فرزندآوری و آزمون الهی

در زبان عربی، واژه «بلاء» به معنای آزمون و امتحان به کار می‌رود (طریحی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۶۰). این معنا در قرآن کریم نیز مورد تأیید قرار گرفته است: «وَ لِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا» (انفال: ۱۷). بنابراین، حدیث علوی مبنی بر معرفی کثرت عائله به عنوان یکی از بزرگترین بلاها، نمایانگر این است که فرزندآوری و تبعات ناشی از آن، در زمره مهم‌ترین امتحانات الهی برای بشر قرار می‌گیرد. طبق این دیدگاه، عائله‌مندی از جمله دشوارترین

آزمون‌های الهی قلمداد می‌شوند که انسان برای موفقیت در آن نیازمند تدبیر، صبر و مدیریت است. نظیر مسئولیت‌های اجتماعی که افراد را به سختی و چالش می‌کشاند. این جایگاه، اگرچه مستلزم صرف وقت و دقت فراوان است، اما نه تنها مذموم نیست، بلکه افراد بسیاری با شور و اشتیاق، گوی سبقت از یکدیگر می‌ربایند تا به آن دست یابند!

نکته قابل توجه این است که قرار گرفتن «کثرت عائله» در کنار «غلبه دین» و «دوام مرض» که اموری ناپسند تلقی می‌شوند، به معنای ناپسند بودن تعدد عائله نیست. بلکه از آنجایی که امام در مقام بیان سخت‌ترین و بزرگترین امتحانات زندگی هستند، وجه مشترک این سه مورد، فشار طاقت‌فرسا و فرساینده آنها و نه مذمومیتشان است. این امر شبیه توصیه مربی کوهنوردی به کوهنوردان است که مراقب طوفان سهمگین، سقوط به دره و بار سنگین کوله‌پشتی باشند. قرار گرفتن بار سنگین کوله‌پشتی در کنار طوفان و سقوط به معنای ناپسند بودن همراه داشتن کوله‌پشتی نبوده و منظور این است که اگر وزن کوله‌پشتی بیش از توان فرد باشد، می‌تواند همانند آن دو، عامل هلاکت کوهنورد باشد. بنابراین، کوله‌پشتی یک ضرورت برای کوهنوردی است که باید به درستی مدیریت شود.

۱-۳-۴. عدم تلازم میان راحتی و مطلوبیت

روایت مذکور، در پی تبیین واقعیتی غیر قابل کتمان درباره ارتباط میان جمعیت خانوار کمتر و آسایش فردی است. با این حال، نمی‌توان آسایش و رفاه حاصله را لزوماً مترادف با مطلوبیت غایی تلقی نمود (قرائتی، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۹۹). چه بسا، فعالیت‌های سهل و کم‌زحمت، آسایش ظاهری به ارمغان آورند، اما متون دینی، انجام وظایف دشوار و طاقت‌فرسا را که با جهد و مشقت همراه است، بر این گونه امور ترجیح داده و آن را فضیلت می‌شمارند. چنان‌که پیامبر اکرم (ص) نیز دشوارترین اعمال را برترین آنها معرفی فرموده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۱۹۱). با مذاقه در متون دینی، مصادیق متعددی در تایید این اصل قابل استخراج است. به عنوان مثال، آیه ۹۵ سوره نساء، مجاهدین فی سبیل الله را بر کسانی که در خانه نشسته‌اند تفضیل داده است. همچنین، حرمت ربا و حلیت تجارت، به رغم سهولت ربا در تحصیل سود، نمونه دیگری است. افزون بر این، آیه ۹۲ سوره آل عمران، بر انفاق از دارایی‌های مورد علاقه تاکید نموده که مستلزم غلبه بر آسایش حاصل از نگهداری آنهاست.

بر اساس حدیث شریف «قُلُّ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينِ» بین کاهش تعداد افراد تحت تکفل و بهبود وضعیت اقتصادی خانواده ارتباط مستقیم وجود دارد. با این وجود، تفسیر این حدیث نباید به گونه‌ای باشد که القای مطلوبیت کاهش فرزندآوری نماید. روایات متعددی بر اهمیت و فضیلت فرزندآوری تأکید دارند و برای مشقات این امر، پاداش‌های



فراوانی ذکر شده است (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۴۵ و ج ۱۵، ص ۱۵۶). افزون بر این، تلاش برای تأمین معاش خانواده، در احادیث معتبر، هم‌سنگ جهاد در راه خدا قلمداد شده است (صحیفه الامام الرضا(ع)، ۱۴۰۶ق، ص ۲۵۵).

۱-۳-۵. عدم اختصاص عیال به فرزندان

بر فرضی که حدیث «قُلَّةُ الْعِيَالِ أَخَذُ الْيَسَارِينَ» به معنای محدودیت تعداد عائله باشد، نمی‌توان این حدیث را ناظر به کمینه نمودن تعداد فرزندان دانست. زیرا در متن حدیث، واژه «عیال» به جای «ابناء» مورد استفاده قرار گرفته است. عیال در لغت به مفهوم نیازمند و محتاج بوده و به کلیه افرادی که تأمین معیشت آنان بر عهده دیگری است، از جمله همسر، فرزندان و سایر واجب‌النفقة‌ها، اطلاق می‌گردد (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۴۹). در آموزه‌های اسلامی نیز مفهوم عائله اعم از فرزندان است و بر اساس روایاتی از اهل بیت(ع) افرادی نظیر خواهران، عمه‌ها و خاله‌ها از مصداق عائله محسوب شده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۳۷). با توجه به این روایات، مفهوم عیال فراتر از یک گروه خاص بوده و شامل کلیه افراد تحت تکفل و خانواده فرد می‌شود (ر.ک: ایزدی و مهدوی‌منش، ۱۳۹۱ش، ص ۵۵).

با استناد به حدیث «قُلَّةُ الْعِيَالِ أَخَذُ الْيَسَارِينَ» و با در نظر گرفتن مفهوم عام عیال که شامل همسر و فرزندان می‌شود، در حالی که ادله نقلی متعددی بر مطلوبیت فرزندآوری دلالت دارند، این ادله را می‌توان به عنوان قیدی منفصل برای حدیث مذکور تلقی نمود. بدین ترتیب، حکم به مطلوبیت کم بودن تعداد عیال، شامل فرزندان نشده و صرفاً بر تعداد همسران و افراد تحت تکفل دلالت می‌نماید. لذا، در صورت پذیرش دلالت حدیث بر کاهش تعداد افراد تحت تکفل، این حدیث در مخالفت با چندهمسری است.

۱-۳-۶. اختصاص حدیث به زمان فقر

در صورتی که حدیث شریف «قُلَّةُ الْعِيَالِ أَخَذُ الْيَسَارِينَ» به معنای کم بودن تعداد فرزندان باشد، این حدیث در مقام توصیه و سفارش همگان به کم‌فرزندی نیست، بلکه با توجه به ابتدای حدیث که آمده «الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ»، اینگونه استنباط می‌شود که مخاطب اصلی این روایت، قشر مستضعف و فقیر جامعه است. بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که این حدیث به مسأله تحدید نسل در خانواده‌های کم‌بضاعت اشاره دارد و به هیچ وجه به معنای زیر سؤال بردن اصل فرزندآوری و ازدیاد نسل در جامعه نمی‌باشد. لذا این یک توصیه درمانی و مدیریت بحران برای افراد خاص در مقطعی خاص و نه یک دستور استراتژیک برای کل جامعه است.

بر این اساس، دلایل نقلی مانند آیه «أَمَدُّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَيْنَ» (شعراء: ۱۳۳) و حدیث «وَلَمْؤُلُودٌ فِي أُمَّتِي أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۱۵۳) و همچنین تأکید پیامبر اکرم (ص) با بیان «أَكْثَرُوا الْوَلَدَ أَكْثَرُ بِكُمْ الْأُمَمَ عَدَا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲) به صورت کلی بر مطلوبیت فرزندآوری و ازدیاد نسل دلالت دارند و حدیث مذکور تنها به عنوان مخصصی برای شرایط خاص عمل می‌کند و نمی‌توان با استناد به آن به صورت کلی (به دلیل عدم اطلاق و تعارض با دیگر ادله)، نکوهش فرزندآوری را اثبات کرد.

۱-۳-۲. وجود ابهامات در حدیث «هَلَكَ صَاحِبُ الْغِيَالِ»

نظر به مذاقه و امعان نظر در این روایت، ملاحظات و ابهامات متعددی در آن مشهود است که امکان استناد و اتکاء به آن به عنوان دلیلی قاطع بر تحدید نسل و استنکاف از فرزندآوری را منتفی و متزع می‌سازد (ر.ک: ایزدی، ۱۳۹۰ش، ص ۱۸-۱۹).

از جمله این ابهامات عدم سازگاری اوصاف زاغ با مطالب بیان شده در روایت است. بر اساس مشاهدات، زاغ‌ها رفتارهای تک‌همسری و تخم‌گذاری محدودی دارند، که با محتوای روایت مورد بحث سازگار نیست. این پرندگان تنها یک بار در سال تخم‌گذاری کرده و تعداد کمی جوجه پرورش می‌دهند، در نتیجه نیاز کمتری به جستجوی مداوم غذا دارند. از آنجا که برخی پرندگان دیگر رفتارهای چندهمسری و تخم‌گذاری مکرر دارند، روایت مذکور با واقعیات موجود همخوانی نداشته و از اعتبار ساقط است.

با عنایت به حرمت شرعی گوشت زاغ، انتظار می‌رفت پس از اظهار صیاد مبنی بر کثرت صید زاغ، امام به این مسأله اشاره نموده و از مصرف آن نهی فرمایند. عدم توجه امام به این موضوع و ادامه مسیر بدون تذکر، موجب ایجاد تردید در صحت محتوای این حدیث گردیده است.

۱-۲-۲. پیامدهای رفتاری فرزندآوری

این دسته به تحلیل دیدگاه‌هایی اختصاص دارد که بر تغییرات اخلاقی و روانی والدین پس از فرزندآوری تمرکز می‌کنند. از جمله مواردی که در این راستا مطرح می‌شود، بیم از بخل ورزی یا ترسو شدن والدین و همچنین برداشت‌هایی است که فرزندان را مایه فتنه و آزمون‌های دشوار زندگی می‌پندارد.

۱-۲-۱. نقش فرزندان در بخیل و ترسو شدن والدین

در پاره‌ای از روایات دینی، تلقی خاصی از تأثیر فرزندآوری بر شخصیت و رفتار والدین ارائه شده است. به عنوان نمونه، حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که در آن، فرزند مایه ایجاد بخل، ترس و جهل معرفی شده است: «الْوَلَدُ مَبْخَلَةٌ مَجْبَنَةٌ جَهْلَةٌ» (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۵۶) این کلام، ظاهراً، ارتباطی وثیق میان ازدیاد فرزندان و بروز



صفات ناپسند در انسان برقرار می‌سازد. چه بسا از این حدیث چنین استنباط گردد که تکثیر نسل و فرزندآوری، نه تنها امری مطلوب نیست، بلکه می‌تواند به منزله آفتی برای انسان تلقی شود (قضاعی، ۱۳۶۱، ص ۱۱). نظر به نکوهیده بودن صفاتی نظیر بخل، ترس و جهل در آموزه‌های اخلاقی، می‌توان این‌گونه استدلال نمود که فرزندآوری نیز، به عنوان عاملی برای پدید آمدن این صفات ناپسند، امری مذموم و ناپسند به شمار می‌رود.

۱-۲-۲. نقد و بررسی

با تأمل دقیق‌تر در این استدلال، به نظر نمی‌رسد که بتوان آن را دلیلی معتبر برای نکوهش فرزندآوری تلقی کرد. این دیدگاه، فاقد بنیان‌های محکم برای زیر سؤال بردن ارزش و اهمیت فرزندآوری است که در ادامه به برخی از اشکالات آن اشاره می‌شود.

پیش از پرداختن به اشکالات، لازم است یادآوری شود که با بررسی اسناد حدیث مورد نظر، فقدان سلسله راویان مشخص و مستند مشهود است، که این امر حدیث را در زمره احادیث مرسل قرار داده است. با این حال، ذکر این حدیث در آثار بزرگانی همچون سید رضی در کتاب المجازات النبوی، ورام در تنبیه الخواطر، زمخشری در الفائق و ابن اثیر در النهایه این احتمال را تقویت می‌کند که حدیث در زمان ایشان با سند معتبری نقل شده و مورد اعتماد بزرگان دین بوده است. به نظر می‌رسد که این بزرگان، با توجه به وضوح اعتبار حدیث، از ذکر سند آن خودداری ورزیده‌اند. بنابراین، علی‌رغم مرسل بودن حدیث، می‌توان با استناد به عمل این محدثان و اعتماد ایشان به آن، اعتبار نسبی برای حدیث قائل شد.

۱-۲-۲-۱. تنافی تفسیر حدیث با اصول فطری و بقای بشر

در حدیث مورد بحث، ایجاد صفات ناپسندی چون بخل، ترس و جهل در والدین از طریق فرزندآوری و نه ازدیاد فرزندان نسبت داده شده است. لذا بر اساس این حدیث، فرزندآوری به صورت کلی باید کنار گذاشته شود و هر فردی منطقاً باید از داشتن هر فرزندی اجتناب نماید. واضح است که این سخن با فطرت انسانی و بقای نسل بشر منافات دارد. بنابراین، تفسیر مذکور از حدیث صحیح به نظر نمی‌رسد.

۱-۲-۲-۱. خلط میان علت تامه و علت اعدادی

استدلال بر نکوهش فرزندآوری در این حدیث، در قالب یک ساختار قیاسی شکل گرفته که مبتنی بر یک گزاره کلی نادرست است. ساختار منطقی استدلال به شرح زیر است: «گزاره کلی: هر پدیده‌ای که منشأ بروز صفت ناپسندی گردد، خود ذاتاً ناپسند است»، «گزاره جزئی: فرزندآوری موجب بروز صفات ناپسند بخل و ترس می‌شود»، «نتیجه: فرزندآوری امری ناپسند است»

اشکال بنیادین این استدلال، پذیرش یک اصل نامعتبر در گزاره کلی آن است که در آن، علت اعدادی به جای علت تامه در نظر گرفته شده و ذات یک عمل با آثار ثانویه و احتمالی آن یکسان پنداشته شده است.

نمونه گویای این مغالطه، پدیده «عبادت» است که با وجود آنکه ممکن است در شرایطی خاص، به عنوان بستری برای رشد رذایلی مانند عجب و تکبر عمل کند (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۵۲)، هرگز ذاتاً مذموم شمرده نمی‌شود. چرا که حکم تکلیفی عبادت، بر اساس غایت نهایی آن، یعنی «قرب به خدا» و «تزکیه نفس» تعیین می‌شود، نه بر مبنای انحرافات احتمالی برخی از عابدان. طرد یک عمل مقدس به دلیل خطاهای اجرایی افراد، رویکردی عقلانی نیست. مثال دیگر «علم و دانش» است که منشأ پیدایش عجب، غرور، خودبرتربینی می‌شود. طبق دلیل باید علم و دانش امری ناپسند باشد که بطلان آن واضح است.

براین اساس، فرزند، به خودی خود، تنها علت اعدادی و زمینه‌ساز بروز صفات ناپسندی چون بخل و ترس است و نه علت اصلی و کامل آن‌ها. بنابراین، وظیفه اخلاقی والدین آن است که با دقت و توجه، از تبدیل شدن این زمینه‌سازی به علتی تام و کامل برای شکل‌گیری این صفات در فرزندشان جلوگیری کنند.

۱-۲-۳. مصادیق نقض

اگر فرض را بر این بگذاریم که معنای حدیث مذکور بیان یک رابطه علی قطعی و حتمی میان وجود فرزند و پیدایش صفات بخل، ترس و جهل در والدین باشد، در این صورت این گزاره با مصادیق نقض فراوان و متقنی مواجه می‌شود که منطقاً آن را باطل می‌سازند. برای نمونه، شخصیتی مانند امیرالمؤمنین (ع) که دارای فرزندان متعدد بود، نه تنها به بخل متصف نبود، بلکه نماد بی‌نظیر سخاوت؛ نه تنها ترسو نبود، بلکه اسوه شجاعت؛ و نه تنها جاهل نبود، بلکه عین علم و حکمت بود. وجود چنین الگوهای تاریخی و همچنین افراد فراوان دیگری در طول تاریخ که با وجود برخورداری از اولاد زیاد، فاقد این رذایل اخلاقی بوده‌اند، به وضوح ثابت می‌کند که فرزند نمی‌تواند علت تامه برای ایجاد این صفات ناپسند باشد.

۱-۳. شر انگاری فرزندان

در این بخش، به بررسی دیدگاه‌هایی می‌پردازیم که فرزندان را شرور و مصیبتی برای والدین قلمداد می‌کنند. این دیدگاه‌ها، با توجه به فرض شر بودن فرزندآوری، به نکوهش فرزندآوری حکم می‌دهند و آن را عملی ناپسند و مذموم تلقی می‌کنند.



۱-۳-۱. فتنه بودن فرزندان

در قرآن کریم، آیاتی وجود دارند که در آن‌ها خداوند متعال، فرزندان را به عنوان یکی از مصادیق فتنه معرفی می‌فرماید. به عنوان مثال، خداوند سبحان می‌فرماید: «إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (تغابن: ۱۵). مشابه این مضمون در آیه ۲۸ سوره انفال نیز تکرار شده است: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ». این آیات ممکن است این تلقی را در ذهن متبادر سازند که فرزندآوری، عملی ناپسند و مذموم تلقی می‌گردد؛ زیرا واژه فتنه، بار معنایی منفی داشته و تداعی گر مفهوم بلا و مصیبتی است که برای انسان ناخوشایند است. بر همین اساس، ممکن است این‌گونه استنباط شود که فرزندآوری نیز به مثابه امری نامطلوب و در زمره امور اجتناب‌پذیر قرار می‌گیرد.

۱-۳-۲. طلب فرزند بسیار برای دشمنان

یکی از احادیثی که اشاره بر تحدید نسل دارد، حدیث نبوی با مضمون «اللَّهُمَّ ارْزُقْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ مَنْ أَحَبَّ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ الْعَفَافَ وَ الْكَفَافَ وَ ارْزُقْ مَنْ أَبْغَضَ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ الْمَالَ وَ الْوَلَدَ» (صحیفه الامام الرضا(ع)، ۱۴۰۶ق، ص ۳۶۶؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۴۰) است که در منابع روایی به شکل دیگری نیز نقل شده است: «اللَّهُمَّ مَنْ أَحَبَّنِي فَارْزُقْهُ الْكَفَافَ وَ الْعَفَافَ وَ مَنْ أَبْغَضَنِي فَأَكْثِرْ مَالَهُ وَ وَلَدَهُ» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۳۲؛ شعیری، بی‌تا، ص ۱۸۴) در این روایت، پیامبر اکرم(ص) برای پیروان و مخالفان اهل بیت(ع) به ترتیب، طلب عفاف و کفاف در معیشت و نیز فزونی مال و فرزند را از خداوند متعال مسئلت نموده‌اند.

با عنایت به این‌که، پیامبر اکرم(ص) برای مخالفان اهل بیت(ع)، طلب ازدیاد نسل نموده است، این امر تلویحاً دلالت بر ناپسند بودن فرزندآوری دارد، چراکه پیامبر(ص) هرگز برای دشمنان و مخالفان خود چیزی را طلب نمی‌کند که در باطن مطلوب و پسندیده باشد. به عبارت دیگر، این استدلال بر فرض وجود تضاد بین خواسته‌های پیامبر(ص) برای پیروان و مخالفان ایشان بنا شده و سعی دارد از این تضاد، نتیجه‌ای در خصوص مذموم بودن کثرت فرزند برای مخالفان اهل بیت(ع) استخراج نماید.

۱-۳-۳. نقد و بررسی

با بررسی دقیق این استدلال، آشکار می‌گردد که هیچ‌گونه دلالتی بر نکوهش فرزندآوری در آن وجود ندارد. در ادامه، به تحلیل و نقد این دلیل پرداخته می‌شود.

پیش از بررسی این دلیل باید گفت، به سبب توجه محدثان بزرگ به حدیث‌های این استدلال و درج آن در کتب روایی معتبر یاد شده و نیز با استناد به نرم‌افزار جامع الدرأیه مبنی بر مسند و موثق بودن سند این خبر، سند حدیث مذکور معتبر است.

۱-۳-۳-۱. «فتنه» آزمون الهی، نه مصیبت

در آیات مورد بحث، تلقی نامطلوب از فرزندآوری مستند به تفسیری خاص از واژه «فتنه» است. استدلال ارائه شده بر این فرض استوار است که فتنه به معنای امری شنیع و مصیبتی ناگوار تلقی می‌شود. با توجه به بار معنایی منفی نسبت داده شده به فتنه، مصادیق آن، از جمله فرزندان، نیز به تبع آن، نامطلوب پنداشته شده‌اند. این رویکرد، مبتنی بر تعمیم دلالت‌های منفی واژه فتنه به تمامی متعلقات آن است.

بررسی دقیق و موشکافانه واژه فتنه نمایانگر این واقعیت است که دامنه معنایی آن صرفاً به مصیبت و بلا محدود نمی‌گردد، بلکه ابعاد گسترده‌تری از جمله دلالت بر آزمون و امتحان الهی را نیز در بر می‌گیرد (زیبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸، ص ۴۲۵). این گستره معنایی در استعمالات قرآنی این واژه نیز مشهود است، چنان‌که در آیاتی نظیر «أَنْ يُزَكُّوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (عنکبوت: ۲) و «وَ فَتَنَّاكَ فَتُونا» (طه: ۴۰) واژه فتنه در معنای آزمون و امتحان الهی به کار رفته است (فخر رازی، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۹۱)، که این امر نشان‌دهنده غنای معنایی این واژه در متون دینی و ادبی و عدم انحصار آن به معنای بلاست.

بر این مبنا، با عنایت به وجود قرائن متعدد دال بر ترغیب و تشویق به امر فرزندآوری، می‌توان استنباط نمود که واژه فتنه در آیات مورد بحث، بر خلاف تفسیر مبتنی بر معنای بلا و مصیبت، در معنای آزمون و امتحان مورد نظر بوده است؛ تفسیری که با سیاق آیات و آموزه‌های کلی مرتبط با ازدیاد نسل همخوانی بیشتری دارد.

در این عرصه آزمون و ابتلا، این احتمال وجود دارد که بنی‌آدم از مسیر حق و صراط مستقیم منحرف گشته و به ورطه معاصی و سرپیچی از اوامر الهی متمایل گردد. بر این مبنا، ثروت، فرزندان، قدرت و آوازه نیکو همگی می‌توانند به مثابه عواملی تلقی گردند که آدمی را از یاد حضرت باری تعالی غافل ساخته و به سوی خودشیفتگی رهنمون سازند (حسینی واسطی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸، ص ۴۲۶؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۲۴۸). مع الوصف، انسان قادر است با تعمق و هوشیاری در این آزمون الهی، فائق آمده و فرزندان نه تنها بلایی برای او نباشند، بلکه موجبات توفیق و تعالی او را فراهم آورند.

بدین ترتیب، واژه فتنه دو بار معنایی متمایز دارد: یکی به معنای امتحان و آزمون الهی و دیگری به معنای مصیبت و رخدادی ناگوار. حمل بر معنای دوم مستلزم وجود قرینه‌ای است که در آیات مورد بحث یافت نمی‌شود،



بنابراین آیه هیچ دلالتی بر نکوهش فرزندآوری ندارد. علاوه بر این، عبارت پایانی آیه، «وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (انفال: ۲۸)، نشان می‌دهد که منظور، آزمون الهی است که موفقیت در آن پاداش عظیمی در پی دارد. شواهد خارجی، از جمله سیره معصومان (ع) در ترغیب به فرزندآوری و دلایل متعدد دیگری که در ستایش آن آمده، نیز تأکید می‌کنند که مقصود آیه از فتنه، امتحان الهی است.

۱-۳-۳-۲. خلط بین وسیله آزمایش و شر محض

در نقد پیشین اشاره شد که اموال و اولاد، جایگاه «وسیله آزمایش الهی» را دارند، چنان‌که قرآن کریم صراحتاً می‌فرماید: «أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ» (تغابن: ۱۵). در همین راستا، درخواست پیامبر اکرم (ص) از خداوند برای دشمنان خویش (که در قالب «أَكْثَرُ مَالُهُ وَوَلَدُهُ» بیان شده) در حقیقت درخواست همان وسیله آزمایش است. این درخواست را باید در چارچوب سنت الهی «ابتلاء» فهمید که همگان (از جمله مخالفان و دشمنان) را دربرمی‌گیرد، همان‌گونه که آیه «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ وَإِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِينَ» (مومنون، آیه ۳۰) نیز بر همگانی بودن این آزمون تأکید دارد. بنابراین، پیامبر (ص) برای دشمنان، عاملی را مسئلت نموده که به موجب آن، زمینه غرور و انحراف ایشان فراهم آید. نظر به تعلق خاطر و دلبستگی وافر نوع بشر به مال و اولاد و با توجه به فقدان روحیه رضایت و ایمان مکفی در این گروه از افراد، غالباً در این امتحان دشوار الهی، دچار خسران و ناکامی گشته و مستوجب عقوبت دوزخ خواهند بود. بر اساس این تبیین، مال و فرزند، بالذات و فی‌نفسه، امری ناپسند و شر محض محسوب نمی‌گردد تا بر مبنای آن، حکم به عدم مطلوبیت فرزندآوری صادر گردد. چنان‌که خدای سبحان فرموده است: «وَلَا تَمُدَّدَنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ» (طه: ۱۳۱).

۱-۳-۳-۳. تضاد با سیره عملی پیامبر (ص)

اگر فرض شود مال و فرزنددار شدن به طور ذاتی امری مذموم و ناپسند است، این پرسش‌های بنیادین مطرح می‌شوند که چرا پیامبر اکرم (ص) خود دارای فرزندی بود؟ چرا در موارد متعددی، برای مؤمنان دعای ازدیاد مال و ثروت می‌کرد؟ چنان‌که پیامبر اکرم (ص) در حق یک اعرابی مهمان‌نواز و نیکوکار دعای «اللهم اکثر ماله و ولده» فرمود (خصیعی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۳)؟ چرا اهل بیت (ع) دعاهایی برای فرزنددار شدن افراد مختلف به آنان می‌آموختند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۸)؟ و چرا خودشان نیز برای فرزنددار شدن آنان دعا می‌کردند (تقی الدین حلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۴۲)؟

آیه «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا فُرَّةً أَعْيُنٍ» (فرقان: ۷۴) نیز حکایت از آن دارد که فرزندان، مایه روشنی چشم و مایه آرامش و افتخار والدین قرار می‌گیرند. این درخواست، به روشنی نشان می‌دهد که نفس داشتن فرزند، نه تنها مذموم نیست، بلکه می‌تواند نعمتی بزرگ و مایه خیر و برکت باشد. بنابراین، درخواست فزونی مال و فرزند برای دشمنان را باید در چارچوب دیگری، مانند امتحان و آزمون تفسیر کرد نه آنکه حکم به شر بودن فرزند شود.

۲. طبقه‌بندی و تحلیل زمانی مصادر روایات

پیش از ورود به تبیین معنای حقیقی ادله نقلی، نگاهی کلان به مصادر روایات نکوهش فرزندآوری ضروری است تا روشن شود: آیا این روایات ریشه در منابع متقدم دارند یا نخستین بار در دوره‌ای متأخر وارد متون حدیثی شده‌اند؟

این مسأله از آن جهت اهمیت دارد که فهم مراد معصوم (ع) بدون آگاهی از بستر زمانی ظهور حدیث در منابع، ناقص خواهد بود. از این رو، روایات بر اساس نخستین منبع مکتوب طبقه‌بندی شده و در جدول زیر به همراه قرن تألیف و نمونه‌ای از منابع متأخر ارائه می‌شوند.

جدول ۱: طبقه‌بندی و تحلیل زمانی مصادر روایات

ردیف	متن حدیث	قائل حدیث	نخستین منبع حدیث	قرن	سایر منابع	قرن
۱	قُلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينَ	پیامبر اکرم (ص)	ابن حیون (دعائم الاسلام)	۴	شریف رضی (خصائص الانمه)	۵-۴
		امام علی (ع)	ابن شعبه (تحف العقول)	۴	شریف رضی (نهج البلاغه) و بحار الانوار	۵
		امام صادق (ع)	حمیری (قرب الإسناد)	۳-۴	شیخ صدوق (الخصال، من لا يحضره الفقيه) و منابع متأخر	۴
		امام کاظم (ع)	ابن شعبه (تحف العقول)	۴	ابن ادریس حلی (السرائر) و بحار الانوار	۶
		امام جواد (ع)	شیخ صدوق (الأمالی، عیون اخبار الرضا (ع))	۴	علامه مجلسی (بحار الانوار)	۱۱-۱۲
۲	الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ وَقِلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينَ	امام علی (ع)	ابن شعبه (تحف العقول)	۴	علامه مجلسی (بحار الانوار)	۱۱-۱۲
		امام صادق (ع)	شیخ صدوق (الخصال)	۴	علامه مجلسی (بحار الانوار)	۱۱-۱۲

۳	جَهْدُ الْبَلَاءِ كَثْرَةُ الْعِيَالِ وَ قَلَّةُ الْمَالِ وَ قَلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارَيْنِ	پیامبر اکرم (ص)	ابن حیون (دعائم الاسلام)	۴	---	---
		امام صادق (ع)	حمیری (قرب الإسناد)	۴-۳	---	---
۴	ثَلَاثٌ مِنْ أَعْظَمِ الْبَلَاءِ: كَثْرَةُ الْعَائِلَةِ، وَ غَلَبَةُ الدَّيْنِ، وَ دَوَامُ الْمَرَضِ	امام علی (ع)	لیثی واسطی (عیون الحکم)	۶	آمدی (غرر الحکم) و مستدرک الوسائل	۶
۵	استعیزوا بالله من الفقر و العيلة و من أن تظلموا أو تظلموا	پیامبر اکرم (ص)	پابنده (نهج الفصاحة)	۱۴	---	---
		امام سجاده (ع)	ابن طاووس (اقبال الاعمال)	۷	---	---
		امام صادق (ع)	شیخ طوسی (الأمالی)	۵	---	---
۶	هَلَكَ صَاحِبُ الْعِيَالِ	امام رضا (ع)	احمد بن عامر طائی (صحیفه الرضا (ع))	۲	علامه مجلسی (بحار الانوار)	۱۱-۱۲
۷	الْوَلَدُ مَبْخَلَةٌ مَجْبَنَةٌ مَجْهَلَةٌ	پیامبر اکرم (ص)	شریف الرضی (المجازات النبویه)	۵-۴	اربلی (کشف الغمه) و بحار الانوار	۷
۸	اللَّهُمَّ ارْزُقْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ مَنْ أَحَبَّ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ الْعَقَافَ وَ الْكَفَافَ وَ ارْزُقْ مَنْ أَبْغَضَ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ الْمَالَ وَ الْوَلَدَ	پیامبر اکرم (ص)	شیخ مفید (الفصول العشره فی الغیبه)	۴	فیض کاشانی (الوافی)	۱۱
		امام صادق (ع)	کلینی (الکافی)	۴-۳	حمیری (قرب الاسناد)	۴-۳
۹	اللَّهُمَّ مَنْ أَحْبَبَنِي فَأَرْزُقْهُ الْكَفَافَ وَ الْعَقَافَ وَ مَنْ أَبْغَضَنِي فَأَكْثِرْ مَالَهُ وَ وَلَدَهُ	پیامبر اکرم (ص)	شیخ طوسی (الامالی)	۵	ورام (تنبيه الخواطر) و بحار الانوار	۶

بررسی جدول فوق نشان می‌دهد که مجموع روایات مرتبط با مسأله «نکوهش فرزندآوری» عمدتاً از سه معصوم یعنی پیامبر اکرم (ص)، امام علی (ع) و امام صادق (ع) نقل شده‌اند. یک مورد نیز نقل از امام سجاده (ع)، امام کاظم (ع)، امام رضا (ع) و امام جواد (ع) مشاهده می‌شود. آنچه حائز اهمیت است، نخستین ظهور مکتوب این روایات است. با استثنای روایت ششم جدول (هلاک صاحب العیال) که در قرن دوم آمده، بیشتر این احادیث نخستین بار در منابع قرن چهارم ظاهر شده‌اند. لذا، مصادر روایی را می‌توان به سه دسته زمانی تقسیم کرد.

الف. دسته متقدم: تنها صحیفه الرضا(ع) در قرن دوم (مخصوص یک روایت).
ب. حلقه میانی و اصلی: منابع قرن چهارم تا هفتم که اکثر روایات برای نخستین بار در آنها ثبت شده است.
ج. دسته متأخر: منابع قرن یازدهم به بعد که صرفاً تکرارکننده روایات پیشین هستند و نقش استمرار نقل را دارند.

براین اساس، این مضمون حدیثی با وجود نقل از چندین معصوم، در قرون اول تا سوم حضور ندارد، اما از قرن چهارم به بعد وارد میراث مکتوب شده از آن پس مورد توجه قرار گرفته است.

۳. تبیین معنای حقیقی ادله نقلی

با بررسی دقیق ادله نقلی که ظاهراً به نکوهش فرزندآوری اشاره داشتند، مشخص گردید که این ادله به صورت کلی ناظر بر مذمت فرزندآوری نیستند. ازاین رو، بررسی معنای حقیقی این ادله ضروری می‌نماید.

با توجه به مباحث مطرح شده، روشن گشت که احادیثی که با کلیدواژه «عیال» ذکر گردیده‌اند، از جمله «قُلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارَيْنِ»، «ثَلَاثٌ مِنْ أَعْظَمِ الْبَلَاءِ: كَثْرَةُ الْعَائِلَةِ وَ غَلَبَةُ الدَّيْنِ وَ دَوَامُ الْمَرَضِ» و «استعينوا بالله من الفقر و العيلة»، به واسطه تعمیم معنایی عیال از فرزندان، صرفاً شامل فرزندان نمی‌شوند و ازدیاد افراد تحت تکفل را تبیین می‌نمایند. ازاین رو، بدین معناست که پذیرش سرپرستی افراد متعدد نظیر همسران، اقوام، فرزندان و ... موجب مشقت و سختی می‌شود. همچنین، بررسی سیاق این دسته از احادیث نشان می‌دهد که آن‌ها در خصوص افراد فقیر و مستمند صادر شده‌اند. برای مثال، در صدر حدیث اول واژه فقر آمده و در حدیث دوم کثرت عائله در کنار بدهی ذکر شده و در حدیث سوم نیز فقر بر عائله مقدم گشته است. این سیاق مؤید آن است که حتی اگر مقصود از عائله فرزندان باشند، این سخن حکمی ثانوی برای افراد فقیر است که از عهده مخارج فرزندان برنمی‌آیند و تنها ایشان مجاز به داشتن فرزند کمتر هستند. بنابراین، معنای این دسته از احادیث نکوهش فرزندآوری به صورت یک حکم کلی نیست و به صورت موردی در خصوص افراد خاص سخن می‌گوید.

گفتنی است برخی از محققان، این دسته از احادیث را به منزله ابراز همدردی و همدلی با شخصی که مسئولیت امرار معاش خانواده را بر عهده دارد، تلقی نموده‌اند. این دسته از پژوهشگران بر این باورند که حدیث مذکور، به شیوه‌ای غیرمستقیم، دشواری‌ها و چالش‌های پیش روی فرد نان‌آور خانواده را مورد توجه قرار می‌دهد (ر.ک: خرازی، سید محسن، ۱۳۷۹ش، ص ۱). همچنین برخی معتقدند که هدف اهل بیت(ع) از این احادیث، تسکین خاطر و تشویق به صبر در قبال محدودیت‌های مالی مؤثر بر فرزندآوری بوده است. مانند زمانی که در مواجهه با



افراد کم‌برخوردار و با هدف تسلی خاطر، ضرب‌المثل «هر که بامش بیش، برفش بیشتر» به کار رفته و به آنان یادآور می‌شود که از مشکلات ناشی از دارایی بی‌نیاز هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ش، ج ۱۳، ص ۱۵۳-۱۵۴).

بررسی سایر احادیث و متون دینی دلالت بر این دارد که مال و فرزند به عنوان نعمت‌های الهی و زینت حیات دنیوی مورد توجه قرار گرفته‌اند: «الْمَالُ وَ الْبُنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (کهف: ۴۶) توصیه‌های متعددی در متون دینی بر افزایش مال و فرزند وجود دارد که نشان‌دهنده مطلوبیت این دو نعمت است (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۵۰۸-۵۰۹). با این وجود در آیات و روایات مذکور، فرزندان فتنه معرفی شده و کثرت فرزند برای مخالفان اهل بیت (ع) مسئلت شده و فرزندان منشأ ایجاد صفات ناپسند در والدین معرفی شده‌اند.

با مذاقه در ادله نقلی و تطبیق آن‌ها با یکدیگر، این استنباط حاصل می‌گردد که اگرچه فرزند و فرزندآوری امری مطلوب است، اما می‌تواند موجب دغدغه‌هایی برای والدین در خصوص آینده فرزندان‌شان شود. این نگرانی‌ها، در طول زمان، ممکن است زمینه‌ساز بروز صفات ناپسندی چون بخل، ترس و جهل گردند. همچنین فرزندان به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای ابتلا و امتحان الهی برای انسان‌ها مطرح می‌گردند (انفال: ۲۸). با توجه به میزان علاقه و محبتی که والدین نسبت به فرزندان خود ابراز می‌دارند، این آزمون از دشواری مضاعفی برخوردار بوده و در بسیاری از موارد، سبب بروز صفات ناپسند در والدین و گمراهی از مسیر حق به خاطر فرزندان می‌شود. لذا به نظر می‌رسد متون دینی یادشده، هشدار می‌دهد که والدین، مبنی بر آگاهی از آزمونی الهی که نقشی مقدماتی در شکل‌گیری صفات باطنی ناپسند در ایشان ایفا می‌کند.

در تایید این مطلب، می‌توان به آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (منافقون: ۶۳) استناد نمود که هشدار می‌دهد که پیرامون اینکه ثروت و فرزندان می‌توانند موجب غفلت از یاد خدا و در نتیجه، خسران انسان شوند. با این حال، اعتدال در بهره‌مندی از این نعمت‌ها و عدم وابستگی شدید به آن‌ها، نه تنها موجب زیان نمی‌شود، بلکه پاداش عظیمی را در پی خواهد داشت (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۳۰۸).

حضرت علی (ع) با تأکید بر سنت الهی آزمایش و ابتلا در زندگی انسان، خاطر نشان می‌سازد که بندگان نباید از خداوند درخواست معافیت از امتحانات الهی نمایند. بلکه، شایسته است که با تضرع و خشوع، از خداوند متعال استعانت جویند تا در مواجهه با آزمون‌های گوناگون، به‌ویژه آزمایش ثروت و فرزند، با سربلندی و موفقیت، مسیر کمال و تعالی را طی نمایند (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۲۴۸).

براین اساس، ثروت و فرزندان، هرچند نعمت‌های بزرگ الهی هستند، اما مانند شمشیری دو لبه می‌توانند باعث هلاکت و زیان انسان شوند. متون دینی بر مراقبت از این نعمت‌ها تأکید کرده‌اند تا مبادا مؤمن در آزمایش الهی از طریق آن‌ها شکست بخورد.

با توجه به این نکته است که پیامبر اکرم (ص) در مقام نفرین برای منکران و دشمنان اهل بیت (ع) و فور مال و کثرت فرزند را درخواست فرموده‌اند. چه آنکه این گروه، به سبب فقدان ایمان راسخ، در بوته آزمایش ثروت و فرزند، ناکام مانده و فزونی این نعمات، موجبات تکبر، بخل و سایر رذائل اخلاقی را در آنان فراهم می‌آورد. افزون بر این، به دلیل عدم تمسک به رهنمودهای خاندان عصمت و طهارت (ع)، در تربیت صحیح اولاد نیز توفیقی نیافته و این امر، موجب بروز رفتارهای خصمانه و عنادورزی آنان با والدین می‌گردد؛ چنانکه طبق آیه شریفه «إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ» (تغابن: ۱۴) برخی از همسران و فرزندان، دشمن انسان بود و مایه عذاب و رنجش خاطر او می‌گردند (ر.ک: مازندرانی، بی تا، ج ۸، ص ۳۸۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ۴۱۲).

نتایج تحقیق

۱- استدلال‌های نقلی مرتبط با نکوهش فرزندآوری، مبتنی بر اثرات نامطلوب معیشتی، پیامدهای رفتاری و تلقی شرانگیز از فرزندان، به دلیل عدم توجه به مفهوم بلاء و آزمون الهی، خلط میان علت تامه و علت مُعَدّه و بی‌توجهی به سیره اهل بیت (ع)، مورد پذیرش قرار نگرفت و دلالت قاطعی بر نکوهش فرزندآوری نداشت. دغدغه‌های اقتصادی و نگرانی برای آینده فرزندان، والدین را در بوته آزمایش اخلاقی قرار می‌دهد. عدم مدیریت صحیح این دغدغه‌ها می‌تواند به حرص، محافظه‌کاری بیش از حد و غفلت از کسب علم منجر شود.

۲- هدف اصلی متون دینی مورد بررسی، دعوت به هوشیاری اخلاقی و تقویت فضایی مانند توکل، شجاعت و دانش‌اندوزی در کنار انجام وظایف والدینی و نه نکوهش فرزندآوری است. در شرایط فقر و ناتوانی مالی، مدیریت موقت تعداد فرزندان به منظور اجتناب از مشقت‌های ناشی از تأمین هزینه‌های معیشتی فرزندان در دوران تنگدستی، امری قابل توجیه است.

۳- ادله نقلی مورد بررسی در این پژوهش، به‌طور قطعی و صریح به نکوهش فرزندآوری نمی‌پردازند و تعارضی اساسی با متون موافق فرزندآوری ندارند، بلکه این تعارض صرفاً ظاهری بوده و با تفسیر صحیح، قابل رفع خواهد بود.



۴- در بررسی پیشینه تحقیقات مشخص می‌شود که اغلب پژوهش‌ها، ادله نقلی در نکوهش فرزندآوری را به عنوان ارزش‌گذاری منفی تلقی نکرده‌اند، بلکه آن‌ها را بیانگر واقعیتی تکوینی دانسته‌اند. در این آثار، نقدهایی مانند تعمیم مفهوم عیال، عدم تلازم آسودگی با رفاه و نقش آزمون الهی مطرح شده که در تحقیق حاضر نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند. با این وجود، این تحقیق حاوی نقدهای نوینی است که وجه تمایز آن با سایر آثار به شمار می‌رود.

۵- غالب تحقیقات کوشیده‌اند تا ارتباط بین مطلوبیت فرزندآوری و فقر را توجیه کنند. در مقابل، این تحقیق تأکید دارد که اگرچه فرزندآوری به طور کلی امری مطلوب و هماهنگ با فطرت انسانی است، شرایط گوناگون نظیر فقر اقتصادی، بیماری یا موانع دیگر می‌تواند در موارد خاص، فرزندآوری را برای فرد نامطلوب سازد. بنابراین، ادله نقلی نباید به منزله نکوهش مطلق فرزندآوری تلقی شوند، بلکه در تفسیر و تطبیق آنها باید شرایط فردی مدنظر قرار گیرند.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۴۰۴ق)، *شرح نهج البلاغه*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۶۲ش)، *الخصال*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.

ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، *الأمالی*، تهران: انتشارات کتابچی.

ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵ق)، *دعائم الإسلام*، تحقیق آصف فیضی، قم: مؤسسه آل البیت (ع).

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول عن آل الرسول (ص)*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.

اکبرنژاد، مهدی و محمودی، مهدی (۱۴۰۲ش)، «اعتبارسنجی سندی و دلالتی روایت «قُلُّ الْعِیَالِ أَحَدُ الْیَسَارِیْنِ»»، *علوم قرآن و حدیث*، دوره ۵۵، شماره ۱۱۱، صص ۶۹-۹۶.

ایزدی، مهدی (۱۳۹۰ش)، «ملاک‌های نقد متن حدیث بر اساس منابع روایی فریقین»، *مطالعات قرآن و حدیث*، دوره ۴، شماره ۸، صص ۵-۲۶.

- ایزدی، مهدی و مهدوی‌منش، حسین (۱۳۹۱ش)، «پی‌جویی خانواده و کارکردهای تربیتی آن در آموزه‌های امام سجاد(ع) با تأکید بر شیوه‌های انحراف‌زدایی و فضیلت‌افزایی»، *مطالعات قرآن و حدیث*، دوره ۶، شماره ۱۱، صص ۴۵-۸۶.
- برقی، أحمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق)، *المحاسن*، قم: دار الکتب الإسلامیه.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲ش)، *نهج الفصاحه*، تهران: جاویدان.
- تقی‌الدین حلی، حسن بن علی (بی‌تا)، *کتاب الرجال*، قم: الشریف الرضی.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد (۱۴۱۰ق)، *غرر الحکم*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- جوادی آملی، عبد الله (۱۳۷۸ش)، *تسним*، تحقیق و تنظیم علی اسلامی، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبد الله (۱۳۹۰ش)، *نسیم اندیشه*، دفتر سوم، تحقیق و تنظیم سید محمود صادقی، قم: مرکز نشر اسراء.
- حسینی واسطی زبیدی، سید مرتضی (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دار الفکر.
- حمیری، عبد الله بن جعفر (۱۴۱۳ق)، *قرب الإسناد*، تحقیق مؤسسه آل البيت (ع)، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- خرازی، سید محسن (۱۳۷۹ش)، «کنترل جمعیت و عقیم‌سازی»، *مجله فقه اهل بیت (ع)*، دوره ۶، شماره ۲۱، صص ۴۱-۶۹.
- خُصیبی، حسین بن حمدان (۱۴۱۹ق)، *الهدایة الکبری*، بیروت: البلاغ.
- خمینی، سید حسن (۱۳۸۱ش)، «تنظیم خانواده یا تحدید نسل»، *پژوهشنامه متین*، دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۴۹-۷۴.
- دهقان‌ده‌جمالی، حسن (۱۳۹۶)، «فرزندآوری و افزایش جمعیت از دیدگاه قرآن کریم و اهل بیت(ع)»، *مطالعات بین رشته‌ای دانش راهبردی*، دوره ۲۹، شماره ۲۹، صص ۱۴۷-۱۷۰.
- زبیدی، مرتضی (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دار الفکر.
- سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغه*، تحقیق صبحی صالح، قم: هجرت.
- شعیری، محمد بن محمد (بی‌تا)، *جامع الأخبار*، نجف: مطبعة حیدریه.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق)، *الأمالی*، تصحیح مؤسسه البعثة، قم: دار الثقافة.
- طاهری، حبیب اله (۱۳۸۱ش)، «تحدید نسل از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی»، *مجمع آموزش عالی قم*، دوره ۴، شماره ۱۲، صص ۱۰۳-۱۳۲.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الأعلمی.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق)، *مکارم الأخلاق*، قم: الشریف الرضی.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۴۱۴ق)، *مجمع البحرين و مطلع النیرین*، قم: بنیاد بعثت.
- صحیفه الإمام الرضا(ع)* (۱۳۶۴)، تحقیق محمد مهدی نجف، مشهد: کنگره جهانی امام رضا (ع).
- فخر رازی، محمد بن عمر (بی‌تا)، *مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)*، استانبول: شرکه صحافیہ عثمانیه.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۱۰ق)، *العین*، قم: هجرت.
- الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا(ع)* (۱۴۰۶ق)، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.

فیض کاشانی، محسن (۱۴۰۶ق)، *الوافی فی شرح أصول الکافی*، اصفهان: مکتبه الإمام أميرالمؤمنین (ع).
 قدردان قراملکی، علی (۱۴۰۳ش)، «فلسفه تشویق به فرزندآوری در متون دینی»، *همایش واکاوی راهکارهای افزایش جمعیت*، دوره ۱، شماره ۱، صص ۶۶۹-۶۸۰.

قرائتی، محسن (بی تا)، *درس‌هایی از قرآن*، بی جا: مدرسه فقاہت.
 قضاعی، محمد بن سلامه (۱۳۶۱)، *شرح فارسی شهاب الأخبار*، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
 کلینی، محمد بن یعقوب بن إسحاق (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
 لیشی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶ش)، *عیون الحکم و المواعظ*، قم: دار الحدیث.
 مازندرانی، ملا صالح (بی تا)، *شرح أصول الکافی*، تعلیقات أبو الحسن شعرانی، تهران: مکتبه الإسلامیه.
 مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار الجامعه للدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
 مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵ش)، *پیام قرآن*، قم: انتشارات مدرسه أميرالمؤمنین (ع).
 نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: مؤسسه آل البيت (ع).

Bibliography:

The Holy Qur'an.

- Akbarnizhād, Mahdī and Maḥmūdī, Mahdi (2023). "Evaluating the Chain of Transmission and Meaning of the Narration 'Having Few Dependents is One of the Two Eases'. *Quran and Hadith Studies*, Vol. 55, No. 111, pp. 69–96. (In Persian)
- Al-Fiḥ al-Mansūb ilā al-Imām al-Riḍā (pbuh)* (1985). Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt (pbuh) li-Iḥyā' al-Turāth. (In Arabic)
- 'Alī ibn Mūsā (pbuh) (1985). *Ṣaḥīfah al-Imām al-Riḍā (pbuh)*. Ed. Muḥammad Mahdī Najaf. Mashhad: Kungirah-yi Jahānī-yi Imām Riḍā (pbuh). (In Arabic)
- Barqī, Aḥmad ibn Muḥammad ibn Khālīd (1952). *Al-Maḥāsīn*. Qom: Dār al-Kutub al-Islāmīyah. (In Arabic)
- Dihqān Dih-Jamālī, Ḥasan (2017). "Procreation and Population Increase from the Perspective of the Holy Qur'an and the Ahl al-Bayt". *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies on Strategic Knowledge*, Vol. 29, No. 29, pp. 147–170. (In Persian)
- Fakhr Rāzī, Muḥammad ibn 'Umar (n.d.). *Mafātīḥ al-Ghayb (al-Tafsīr al-Kabīr)*. Istanbul: Sharikat Ṣaḥāfīyah 'Uthmānīyah. (In Arabic)
- Farāhīdī, Khālīd ibn Aḥmad (1990). *Al-'Ayn*. Qom: Hijrat. (In Arabic)
- Fayḍ Kāshānī, Muḥsin (1986). *Al-Wāfī fī Sharḥ Uṣūl al-Kāfī*. Isfahan: Maktabat al-Imām Amīr al-Mu'mīnīn (pbuh). (In Arabic)
- Ghadrdān Ghurāmalakī, 'Alī (2024). "The Philosophy of Encouraging Procreation in Religious Texts". *Conference to analyze solutions to population increase*, Vol. 1, No. 1, pp. 669–680. (In Persian)

- Humayrī, ‘Abd Allāh ibn Ja‘far (1992). *Qurb al-Isnād*. Ed. Mu‘assasat Āl al-Bayt (pbuh). Qom: Mu‘assasat Āl al-Bayt (pbuh). (In Arabic)
- Ḥusaynī Wāsiṭī Zubaydī, Sayyid Murtaḍā (1994). *Tāj al-‘Arūs min Jawāhir al-Qāmūs*. Beirut: Dār al-Fikr. (In Arabic)
- Ibn Abī al-Ḥadīd, ‘Abd al-Ḥamīd ibn Hibat Allāh (1984). *Sharḥ Nahj al-Balāghah*. Ed. Muḥammad Abū al-Faḍl Ibrāhīm. Qom: Maktabat Āyat Allāh al-Mar‘ashī al-Najafī. (In Arabic)
- Ibn Bābūyah (Ṣadūq), Muḥammad ibn ‘Alī (1983). *Al-Khiṣāl*. Ed. ‘Alī Akbar Ghaffārī. Qom: Jāmi‘ah-yi Mudarrisīn. (In Arabic)
- Ibn Bābūyah (Ṣadūq), Muḥammad ibn ‘Alī (1992). *Man lā Yaḥḍuruh al-Faqīh*. Ed. ‘Alī Akbar Ghaffārī. Qom: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī. (In Arabic)
- Ibn Bābūyah (Ṣadūq), Muḥammad ibn ‘Alī (1997). *Al-Amālī*. Tehran: Intishārāt-i Kitābchī. (In Arabic)
- Ibn Ḥayyūn, Nu‘mān ibn Muḥammad al-Maghribī (1966). *Da‘ā’im al-Islām*. Ed. Āṣif Fīḍī. Qom: Mu‘assasat Āl al-Bayt (pbuh). (In Arabic)
- Ibn Shu‘bah al-Ḥarrānī, Ḥasan ibn ‘Alī (1984). *Tuḥaf al-‘Uqūl ‘an Āl al-Rasūl*. Ed. ‘Alī Akbar Ghaffārī. Qom: Jāmi‘ah-yi Mudarrisīn. (In Arabic)
- Izadi, Mahdi (2011). Criteria for Textual Criticism of Hadith Based on Narrative Sources of Both Schools. *Quran and Hadith Studies*, Vol. 4, No. 8, pp. 5–26. (In Persian)
- Izadi, Mahdi and Mahdawī Manish, Ḥusayn (2012). “Exploring Family and Its Educational Functions in the Teachings of Imam Sajjad (pbuh) with Emphasis on Methods of Deviant Behavior Removal and Virtue Enhancement”. *Quran and Hadith Studies*, Vol. 6, No. 11, pp. 45–86. (In Persian)
- Jawādī Āmulī, ‘Abd Allāh (1999). *Tasnīm*. Ed. & Comp. ‘Alī Islāmī. Qom: Markaz-i Nashr-i Isrā’. (In Persian)
- Jawādī Āmulī, ‘Abd Allāh (2011). *Nasīm-i Andīshah*, Daftar-i Sivvum. Ed. & Comp. Sayyid Maḥmūd Ṣādiqī. Qom: Markaz-i Nashr-i Isrā’. (In Persian)
- Kharāzī, Sayyid Muḥsin (2000). “Population Control and Sterilization”. *Majallah-yi Fiqh-i Ahl al-Bayt*, Vol. 6, No. 21, pp. 41–69. (In Persian)
- Khumaynī, Sayyid Ḥasan (2002). “Family Planning or Birth Limitation”. *Pazhūhishnāmah-yi Matīn*, Vol. 4, No. 15, pp. 49–74. (In Persian)
- Khuṣaybī, Ḥusayn ibn Ḥamdān (1999). *Al-Hidāyah al-Kubrā*. Beirut: al-Balāgh. (In Arabic)
- Kulaynī, Muḥammad ibn Ya‘qūb ibn Ishāq (1987). *Al-Kāfī*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah. (In Arabic)
- Laythī Wāsiṭī, ‘Alī ibn Muḥammad (1997). *Uyūn al-Ḥikam wa al-Mawā‘iz*. Qom: Dār al-Ḥadīth. (In Arabic)
- Majlisī, Muḥammad Bāqir ibn Muḥammad Taqī (1983). *Biḥār al-Anwār al-Jāmi‘ah li-Durar Akhbār al-A‘immah al-Aṭhār*. Beirut: Dār Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī. (In Arabic)
- Makārim Shīrāzī, Nāṣir (1996). *Payām-i Qur‘ān*. Qom: Intishārāt-i Madrasah-yi Amīr al-Mu‘minīn (pbuh). (In Persian)
- Māzandarānī, Mullā Ṣāliḥ (n.d.). *Sharḥ Uṣūl al-Kāfī*. Annotated by Abū al-Ḥasan Sha‘rānī. Tehran: al-Maktabah al-Islāmīyah. (In Arabic)
- Nūrī, Ḥusayn ibn Muḥammad Taqī (1988). *Mustadrak al-Wasā’il wa Mustanbaṭ al-Masā’il*. Qom: Mu‘assasat Āl al-Bayt (pbuh). (In Arabic)

- Pāyandah, Abū al-Qāsim (2003). *Nahj al-Faṣāḥah*. Tehran: Jāwīdān. (In Arabic)
- Qarā'atī, Muḥsin (n.d.). *Darshayi az Qur'ān*. N.p.: Madrasah-yi Fiqqāhat. (In Persian)
- Quḍā'ī, Muḥammad ibn Salāmāh (1982). *Sharḥ-i Fārsī-yi Shihāb al-Akḥbār*. Tehran: Markaz-i Intishārāt-i 'Ilmī wa Farhangī. (In Persian)
- Sayyid al-Raḍī, Muḥammad ibn al-Ḥusayn (1994). *Nahj al-Balāghah*. Ed. Ṣubḥī Ṣāliḥ. Qom: Hijrat. (In Arabic)
- Shaykh Ṭūsī, Muḥammad ibn al-Ḥasan (1994). *Al-Amālī*. Ed. Mu'assasat al-Ba'thah. Qom: Dār al-Thaqāfah. (In Arabic)
- Shu'ayrī, Muḥammad ibn Muḥammad (n.d.). *Jāmi' al-Akḥbār*. Najaf: Maṭba'at Ḥaydarīyah. (In Arabic)
- Ṭabāṭabā'ī, Sayyid Muḥammad Ḥusayn (1997). *Al-Mīzān fī Tafṣīr al-Qur'ān*. Beirut: Mu'assasat al-'Alamī. (In Arabic)
- Ṭabrisī, Ḥasan ibn Faḍl (1992). *Makārim al-Akhlāq*. Qom: al-Sharīf al-Raḍī. (In Arabic)
- Ṭaherī, Ḥabīb Allāh (2002). "Birth Limitation from the Perspective of Islamic Jurisprudence and Law". *Mujtamae 'Ālī-yi Qom*, Vol. 4, No. 12, pp. 103–132. (In Persian)
- Tamīmī Āmidī, 'Abd al-Wāḥid (1990). *Gharar al-Ḥikam*. Qom: Daftar-i Tablīghāt-i Islāmī. (In Arabic)
- Taqī al-Dīn al-Ḥillī, Ḥasan ibn 'Alī (n.d.). *Kitāb al-Rijāl*. Qom: al-Sharīf al-Raḍī. (In Arabic)
- Ṭarīḥī, Fakhr al-Dīn ibn Muḥammad (1994). *Majma' al-Baḥrayn wa Maṭla' al-Nīrayn*. Qom: Bunyād-i Ba'th. (In Arabic)
- Zubaydī, Murtaḍā (1994). *Tāj al-'Arūs min Jawāhir al-Qāmūs*. Beirut: Dār al-Fikr. (In Arabic)